

آینه‌های روبه‌رو

گفت‌وگویی با نیل گیمن

به بهانه ترجمه جدید از «آد و غول‌های یخی»

انتخاب مغز به جای پا

فاطمه عسگری آراد

■ نیل گیمن اولین رمانش در سال ۱۹۶۰ تبدیل به سریال تلویزیونی شد. او در کتاب‌های دیگرش چون مرد شنی، Green Lantern و Spawn تجربه‌های متعددی دارد و با نوشتن یکی از کمیک استرپی‌های بتمن حتی به سراغ این ژانر رفت فیلمنامه‌هایی چون کارولین را نوشته است. کارهایش در قالب صوتی، فیلم، کتاب‌های کمیک و داستان‌های فانتزی منتشر شده است. این روزها کتاب «آد و غول‌های یخی» با تصویرهای «پرت هلکویسنت» و با ترجمه فرزاد فرید توسط نشر کتاب پنجره منتشر شده است. این اثر را نیل گیمن در سال ۲۰۰۹ نوشته‌است دربارهٔ زمستانی که هرگز به پایان نمی‌رسد و کسی هم دلیل آن را نمی‌داند اد نوجوانی است که با چوب‌های زیر بغل در جنگل به موجوداتی برخورد می‌کند که برایش داستانی غریب را تعریف می‌کنند او به شهر باستانی خدایان شمال می‌رود و برای نجات آن از جنگ غول‌های یخی وارد عمل می‌شود. این روزها گیمن بین کودکان ایرانی طرفدار دارد و آثار او را ناشران مختلف ترجمه و چاپ می‌کنند. کتاب گورستان و کورالین جزو آثار برطرف‌دار این روزهاست.

■ **شما فکر می‌کنید که نویسندگی ذاتی است یا یک مهارت است، یعنی نویسنده‌ها به دنیا می‌آیند که نویسنده باشند یا آموزش می‌بینند؟**

نمی‌دانم، اما فکر می‌کنم مجموعه مهارت‌هایی است که می‌توانید یاد بگیرید یا بیاموزید.

■ **چه چیزی باعث شد که نویسنده شوید؟**

نمی‌دانم.

■ **دنبه بعضی از نویسنده‌ها به آنها اجازه می‌دهد که جنبه‌های منفی زندگی را ببینند. به نظر شما درست است؟ فکر می‌کنید یک نویسنده رمان‌های تخیلی با نویسنده رمان‌های جنایی یا داستان‌های عاشقانه چه تفاوتی دارد؟**

نمی‌دانم. در مورد سوالات شما باید بگویم من بیشتر چیزهایی را می‌نویسم که از آنها لذت می‌برم.
■ **چگونه داستان «آد و غول‌های یخی» را نوشتید؟**
ماجرای این کتاب با درخواست ویراستارم Sarah در انگلیس شروع شد. او از من خواست تا برای روز جهانی کتاب بنویسم. قرار بر این بود که نویسندگان مجانی بنویسند و انتشاراتی‌ها هم مجانی کتاب را چاپ کنند و از کاندیدهای اهدایی استفاده شود تا در یک بسته، ۲۵ کتاب به قیمت ۴/۱۸ دلار فروخته شود. هر کودک انگلیسی یک کد کتاب دریافت می‌کرد تا بتواند به‌وسیله این کدها به کتابفروشی برود و بسته حاوی کتاب‌ها را دریافت کند. در آن زمان قصد داشتیم کتاب گورستان را برای این کار اختصاص دهیم، اما ویراستارم به من زنگ زد و گفت تنها سه یا چهار ماه فرصت داریم. فکر کردم چه کتابی کودکان تا ۹ ساله را که تا به حال کتاب نخوانده‌اند خوشحال خواهد کرد؟ و به این ترتیب داستان آد و غول‌های یخی نوشته شد. این کتاب راجع به پسری است که به دلیل پای نگاشتن نادیده گرفته شده است. آد تلاش می‌کند از مغزش برای حل مشکلات استفاده کند.
■ **داستان‌هایی را برای کودکان و بزرگسالان نوشته‌اید کدام را بیشتر ترجیح می‌دهید؟**

اگر برای کودکان، خوب بنویسی، می‌توانی زندگی را تغییر دهی، اما برای بزرگسالان شاید اوضاع به این صورت نباشد. به بزرگسالان می‌توانی یک تعطیلات زیبا بدهی یا آموزش‌شان دهی، اما به کودکان چیزی را می‌دهی که قسمتی از آن چیزی است که آنها را کودک می‌کند.
■ **در زمان کودکی‌تان با چه کتاب‌هایی بزرگ شدید؟**

من کتاب‌های نازنینا را دوست داشتم. من کتاب مر۱ی باینز را می‌خواندم. من عاشق کارهای نویسندگانی بودم که به عبارتی دارای زوایه دید باشند. در کتاب‌های نازنینا چیزی وجود داشت که برایم مهم‌تر از خود متن بود. این اولین کتابی بود که در آن توانستم خودم را متوجه جملات کنم و جمله‌ها را دوست بدارم.

■ **کدام کاراکتر را بیش از همه دوست دارید؟**

من سیلاس در کتاب گورستان را دوست دارم و می‌خواهم به این کاراکتر رجوع کنم. اما شک دارم وقتی دوباره به این کاراکتر بر می‌گردم کتاب که خواهم نوشت برای کودکان یا بزرگسالان باشد. دوست دارم راجع به سیلاس بنویسم. کاراکترهایی را دوست دارم که درون‌شان بیش از آنچه در کتاب افشا می‌شود، اتفاق‌هایی در جریان است.

در پچه

«کلید کوچک جهان» در روزبها

■ مجموعه شعر حسن گوهرپور که پیش از این قرار بود با نام «چارم‌حال» منتشر شود، به دلیل تغییر در ساختار مجموعه و حذف برخی شعرها به «کلید کوچک جهان» تغییر نام داده و تحویل ناشر شد. دومین مجموعه شعر این شاعر پیش از این قرار بود در چهار بخش با چهار مضمون ازلی – ابدی منتشر شود؛ اما با بررسی شعرها توسط برخی منتقدان معاصر و حذف برخی شعرها، ساختار و تناسب چهار بخش به هم ریخته و قرار بر این شد که شعر بدون تقسیم‌بندی مضمونی و با تغییر نام توسط نشر «روزبها» منتشر شود. این مجموعه همراه با طرح و تصویرگری مینا عبدی منتشر خواهد شد. حسن گوهرپور پیش از این مجموعه «آدم‌های مثلی از خیابان‌ها آمده‌اند» را توسط نشر ثالث منتشر کرد که سالال ۱۳۸۳ کاندیدای چهارمین دوره جایزه ادبی کارنامه بود.

یکی از دوستان و همکاران عزیز در همین روزنامه وزین شرق در یادداشتی با عنوان «عبور همایون از پدر» درباره کنسرت هموزان حصار به تکت و مواردی اشاره کرده بود که از نظر ساختار نقد یک اثر موسیقایی مستلزم بحث و فحص بیشتری است هر چند به لحاظ سلیقه و احساس واجد ارزش و احترامی خاص است چراکه از این منظری که دوست عزیزمان (آقای سیدآبادی) به کنسرت اخیر همایون شجریان نگریسته قطع به یقین می‌توان گفت که به تعداد افرادی که این برنامه را دیده و شنیده‌اند نظرات کاملاً متضاد و متناقضی وجود دارد اما سوال اساسی این است که آیا از نظر قواعد و ساختاری که در موسیقی ملی ایران (رپرتوار موسیقی به اصطلاح سنتنی) وجود دارد و با توجه به خاستگاه هنری و فرهنگی اعضای ارکستر به‌ویژه همایون شجریان

حمیدرضا عاطفی



و صیغه و ساقی‌های که از آنها سراغ داریم، می‌توانیم این کنسرت را نوعی نوآوری در زمینه این نوع موسیقی و عبور همایون از پدر به شمار بیاوریم. یا نه؟ قطعاً اگر بخواهیم پاسخی صریح و صحیح برای این سوال بیابیم نیازمند دقت نظر و مذاقه بیشتری خواهیم بود.
فصلوات دربارہ سبک و سیاق همایون شجریان هنوز زود است چراکه هنوز چند سالی بیش نیست که از فعالیت رسمی این خواننده خوش‌قریحه و فعال می‌گذرد ولی کماکان می‌توان او را زیر چتر سبک و شیوه پدر به حساب آورد اما اگر بخواهیم فقط و فقط همایون را در این کنسرت و برای مقطع و برشی مجزا از قبل و بعد و ارزیابی کنیم من هم با عبور همایون از پدر موافقم منتها با این قید که نرسیده به پدر او را عبور کرده است! شاید این قید شایبه «دور زدن» را در ذهن ایجاد کند اما دور

به انگیزه کنسرت اخیر همایون شجریان

عبور از راهی دیگر

از ذهن هم نیست که همایون در تلاطم تنوع آثارش به اقتضای کار با آهنگسازان متفاوت هنوز مجالی برای استقلال و هویت مشخص نیافته است و اتفاقاً همین بزرگ‌ترین خطری است که او را تهدید می‌کند. طبیعتاً چتر و سیطره بلامنازع آواز شجریان پدر که عرصه آواز ایران را درنوردیده است همایون را نیز به طریق اولی دربرگرفته به همین دلیل هم هست که در پروژه سیمرغ آواز همایون با صیغه و حال و هوای کار کاملاً جفت و جور نمی‌شود و بسیار جالب است که اگر بخواهیم به جست‌وجوی علت و عوامل این ناهمگونی برویم در سخنان خود استاد شجریان پیدایش می‌کنیم که در جایی گفته بود صدا و سبک و سیاق کار من با اشعار فردوسی خوب جفت و جور نمی‌شود (نقل به مضمون). در همین کنسرت اخیر هموزان حصار نیز

موزه ویکتوریا و آلبرت نمایشگاهی بزرگ برای هنرمندان ایران بر پا می‌کند

پنج هنرمند ایران در تور اروپایی- آمریکایی

پرویز براتی

و کارشناسانی همچون چارلز مرودر (مورخ هنر)، ونتیئا پورتر (مسوول بخش هنرهای خاورمیانه موزه V & A، جنایی الاتی (هنرمند)، خالد عزام (رییس مدرسه هنرهای المستیکلوی (علی‌یوسف خدر (سر‌دیرر مجله کنواس) کار فصلوات و بررسی آثار این جایزه را بر عهده داشت. مارک جونز، مدیر موزه V & A درباره این جایزه و هدف از برپایی آن معتقد است: «موزه

ویکتوریا و آلبرت مفتخر است که از سال ۲۰۰۹ بخشی از برنامه‌های خود را روی هنر اسلامی خصوصاً هنرمندان خاورمیانه متمرکز کند. تأسیس جایزه جمیل در راستای این برنامه‌ها بود. این جایزه برای آن تدارک دیده شد تا از یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فرهنگ‌های جهان یعنی فرهنگ اسلامی تجلیل و قدردانی شود و در عین حال

بیتا قزل ایلیق، بابک گلفر، سودی شریفی و هدیة شفیعۃ پنج هنرمند ایرانی بودند که در دومین دوره این جایزه در کنار عایشه خالد (پاکستان)، رشید قریشی (الجزایر)، هزیم هیوا (مصر)، هیزما شاهرودی، بیتا قزل ایلی، بابک گلفر، سودی شریفی و هدیة شفیعۃ به‌عنوان پنج هنرمند ایرانی در کنار عایشه خالد (پاکستان)، رشید قریشی (الجزایر)، هزیم المستیکلوی (مصر)، هیوا قهرمان (عراق) و نورعلی چگنی (پاکستان) در قالب یک رویداد بزرگ به نمایش گذاشته می‌شود. مقصد بعدی این نمایشگاه، مادرید است، طی آن در زمستان ۲۰۱۱ تأیساتن ۲۰۱۲ آثار این ۱۰ هنرمند در موزه هنرهای زیبای این شهر روی دیوار می‌رود. این تور جهانی در پاییز ۲۰۱۲ در مرکز هنری کلتور هیوستون آمریکا پایان می‌یابد. این نمایشگاه مهم در ادامه برپایی جایزه موزه ویکتوریا و آلبرت معروف به جایزه «جمیل» است که از سوی شخصی به نام محمد عبداللطیف جمیل حمایت می‌شود. منیر شاهرودی،



اما ایرانی‌ها در دوره اول برپایی این رویداد هنری موفق به دریافت جایزه نخست به مبلغ ۲۵ هزار پوند شدند و این جایزه به افروز عمیقۃ، هنرمند ایرانی ساکن آمریکا اعطا شد. در آن دوره پرویز تناولی، مجسمه‌ساز پیشکسوت کشورمان هم به‌عنوان یکی از اعضای شش‌نفره هیأت داور۱ حضور داشت. تناولی در آن دوره در کنار هنرمندان

جان گریشام نویسنده می‌ماند



شرق: بیست و چهارمین رمان جان گریشام به نام «دستیاران حقوقی» در حالی در انگلیس منتشر شده که این نویسنده جنایی‌نویس می‌گوید: «رنامه‌ام این است که نویسنده بماتم» گریشام در اثر تازمایش ارزش کار کردن برای مردم واقعی را مرور کرده است. لحن این کتاب نسبت به سایر آثارش سبک‌تر است.

هرچند که همایون نهایت سعی و تلاش خودش را به کار می‌گیرد تا با سونوربته ساز گیتار، آهنگ، ملودی و فضا ارتباط برقرار کند و در این مسیر مخاطبان را نیز همدلستان کند اما این سعی برای گوش‌های آشنا با آن نوع موسیقی سنتی که شجریان‌ها را ساخته و پرداخته کرده است ناهمگون و نامتجانس جلوه می‌کند. مخلوطی فیزیکی که تحت عنوان تعریف نشده تلفیق موسیقی سنتی و فلامینکو ارایه می‌شود در آن زمان که به کلام می‌رسد نارسایی و نواقص خود را کاملاً عیان می‌کند.

در پایان یک‌بار دیگر باید به خطر افراط و تفریط تاریخی در ایران اشاره کنم که همواره همه فعالان فرهنگ و هنر را تهدید می‌کند و این بار نیز متوجه همایون شجریان است که شاید بر اساس القای این تفکر ایجاد شده باشد که این راه را پدر طی کرده است و بنابراین باید در پی کشف راه و روشی نو باشیم غافل از اینکه این راه، راهی نیست که نیازمند تعویض و تغییر باشد.

کلبه‌کوچک‌من

بله، خدا این است! (۹۱)

اردشیر خرم‌نکوب

■ «مکر»ی که زیرک‌ترها به‌کار می‌گیرند، به هر ترفند، به هر نقشه، به هر چاره‌جویی، به هر طرح و به هر برنامه غیراخلاقی و غیرانسانی و ویرانگر گفته می‌شود. اما همین مکر، آن‌گاه که انسانی درستکار و شایسته به آن دست می‌برد، شأنی درست و منطقی و بایسته و خیرخواهانه و خداینسانانه اختیار می‌کند. با این معنا، مکر را به دو راه درمی‌اندازیم: مکر خوب و مکر بد. مکر خیر و مکر شر، در دو وجهی وسع و همه زمانی: مکر الهی و مکر شیطانی. به همین روی، فرد مکار، گرچه در فرهنگ ما به شخص ناپاک و مودی گفته می‌شود، اما می‌تواند به شخصیتی درست و فهیم و هوشمند و دوست‌داشتنی ارتقای مقام یابد. وقتی من و شما، بنا می‌گذاریم که سنگی از پیش پای یک نفر برداریم، یا آنجا که تصمیم می‌گیریم بین دو نفر آشتی برقرار کنیم، پای به وادی مکر می‌گذاریم. وقتی برای نجات یک نفر و نجات یک جمع از دام چهل و اعتیاد و دروغ چاره می‌اندیشیم، درحقیقت مکر به‌کار می‌بندیم. این روند، تا اتخاذ رویه‌های سیاسی در دستگاه دیپلماسی یک کشور بالا می‌گیرد. مکر شیطانی، همان طرح و برنامه و نقشه هیولائگونی است که از انسانی به انسانی، از انسانی به جامعه‌ای و از کشوری به کشوری در کش و قوس است. در همین وضعیت تفنگسیر است که بشر دوبار، آنجا که سخت به خود و مکر خود مغرور است، گرفتار مکر خدا می‌شود. و کدام مکر درهم‌پیچ و افسانه‌ای و شیطانی است که حریف مکر خدا شود؟ در همین خصوص برای خود من چند پرسش مطرح است. اینکه اگر قرار باشد آدمیان هفت‌خط، مرتب طرح و نقشه بکشند و با هزار زحمت و رنج، فتنه‌ای را برای جماعتی از انسان‌های غافل سامان بدهند و خدا نگاهان با مکر خود، نقشه آنان را نقش برآب کند، اساساً رشدی برای طرف دوم این معادله صورت نمی‌پذیرد. و شکستی و آسیب‌ی رخ نمی‌دهد تا این شکست و آسیب، طعمی از پیروزی داشته باشد. با این حساب، پس کجاها این مکر الهی به میدان می‌آید و بساط فکری و عملی مکاران بدبطینت را می‌روبد؟ من خود به این پرسش، از زاویه‌ای غیرمعتارف پاسخ گفتم‌ام. اینکه دخالت مکر الهی، هرگز در اندازه‌ای نیست که تکلیف زیرکی را از شما یک انسان درستکار یا یک جامعه درستکار ساقط کند. اینان مرتب باید بر هوشمندی و زیرکی خود بیفزایند و خود را با زیرکی‌های روز درآمیزند و حتی پیششان از زیرکی‌هاییز باشند. بدیهی است که این فهم، ممکن است با اقتضویر و شکست همراه باشد. دستگیری مدام یک کودک تازه به راه افتاده، او را از برومندی و برآمنن بازمی‌دارد. باید به او، حتی برای زمین خوردنش فرصت داد. پس، کجا این مکر مدام خدایی به‌کار می‌آید؟ من می‌گویم: آنجا که مشیت الهی، دست به‌کار شود. این مشیت، در قرآن، فراوان‌تر از هر آیه دیگری مورد تأکید و اعتنا قرار گرفته است. در قرآن بنا به هر ضرورتی، پای این مشیت به میان آمده و ما عمداً آن کتاب را به عنوان یک تکیه‌کلام می‌مکر قرآنی عبور می‌کنیم.

فرشتگان وقتی به مریم بشارت کودکی را می‌دهند که در گهواره با مردم سخن می‌گوید، در پاسخ به تعجب مریم و اینکه چگونه این ممکن است و حال آنکه دست بشری او را لمس نکرده، می‌گویند: «تکذک الله». که یعنی خدا این است! و ادامه می‌دهند: «بخلق ما یشاء». این «ما یشاء» همان مشیتی است که من بدان اشاره کردم. مشیت را اگر خواست و اراده الهی معنا کنیم، این مشیت، هرگز آن گونه نیست که در هر امر ریز و درشتی ورود کند و مسیر حتمی و مشخص و همیشگی قوانین زندگی را به‌هم بریزد و آنها را از زوال معمول و اعتدال‌شان باز بدارد. قرار بر این است که قوانینی همیشگی بر هستی و بر ویران و برون بشر حاکم باشند. این «ما یشاء»‌های مکرر الهی، یا در دل همان قوانین و در راستای تأیید و تحکیم آنها نقش ایفا می‌کنند، یا در موارد استثنایی و نه همیشگی، به تغییر در اوضاع یک امر رایج دست می‌برند.

ادامه دارد

دور ایران

معجون۱ و اجرای «ابر صورتی»

■ شرق: دومین میکروتئاتر گروه تئاتر «لیو» با اجرای محمدحسن معجون۱ سه‌شنبه هشتم آذر در فرهنگسرای ارسباران روی صحنه می‌رود. این میکروتئاتر بر اساس داستان «ابر صورتی» نوشته علیرضا محمودی شکل گرفته است و محمدحسن معجون۱ آن را اجرا می‌کند. میکروتئاتر جدیدترین پروژه این گروه است که در آن هر یک از اجراها با ساخت ماکت نمایش همراه است و این ماکت براساس یکی از سالن‌های حرفه‌ای موجود در کشور ساخته می‌شود.

بهرام شاه‌محمودلو به پرواز ۷۰۷ رسید

■ مهر: با پیوستن بهرام شاه‌محمودلو، بهناز جعفری و لیلی رشیدی به نمایش «فردگاه» پرواز ۷۰۷ به کارگردانی داوود رشیدی این نمایش برای اجرا در بهمن‌ماه تمرین خود را آغاز می‌کند. رشیدی گفت: «هنوز برای یکی از نقش‌های اصلی نمایش بازیگر مدنظر را انتخاب نکرده‌ام که به زودی این بازیگر نیز مشخص می‌شود.»

«کریستین بیل» که طی ماه‌ها بازی در فیلم «بتمن: بازگشت شوالیه تاریکی» سکوت پیشه کرده بود، سرانجام تک یک روز پس از اتمام ساخت این پروژه سینمایی در مصاحبه با رسانه‌ها گفت: من چند روز پیش لباس بتمن را برای برداشت آخرین صحنه به تن کردم و سپس آن را برای همیشه از تن بیرون کرده و دیگر هیچ‌گاه آن را به تن نخواهم کرد.



تریلی سیار کانون کودکان و نوجوانان کشور نزدیک به چهار دهه است که تعدادی از شاخص‌ترین آثار عرصه هنر نمایش و نمایش عروسکی کشور را به شهرها و روستاهای ایران برده و با استقبال بسیار خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان کشورمان روبه‌رو شده است.

گزارش تصویری
در دومین روز از ماه محرم و پس از افتتاح هفته هنر استان قم بخشی از ضریح مطهر امام حسین علیه‌السلام که در شهر مقدس قم و توسط هنرمندان ایرانی ساخته شده، رونمایی خواهد شد.

ساخت ضریح امام حسین(ع) در قم با طراحی استاد فرشچیان از خردادماه سال ۱۳۸۷ آغاز شده و به مراحل پایانی نزدیک می‌شود.

